

نوبنیاد

روزنامه سراسری
صبح ایران

آتش بس برای اسرائیل؛ بمباران برای غزه

در شرایطی که اخبار اقدامات اسرائیلی آمریکا برای تسلیم شدن و تحویل سلاح حماس برای همراهی رژیم صهیونیستی با تشکیل دولت در نوار غزه ادامه دارد، رژیم صهیونیستی بار دیگر نشان داده است که آتش بس برای این رژیم چیزی جز فرصتی برای بازسازی صفوف و اعمال فشار بیشتر بر فلسطینیان نیست. از حمله هوایی به یک کافه در غرب شهر غزه و شهادت دست کم ۶ غیرنظامی، از جمله یک کودک، تا اعلام صریح مقامات صهیونیستی مبنی بر ادامه عملیات علیه حماس، همه چیز از این واقعیت حکایت دارد که تل آویو همچنان به دنبال تحمیل خواسته‌های خود با زبان بمب و ترور است.

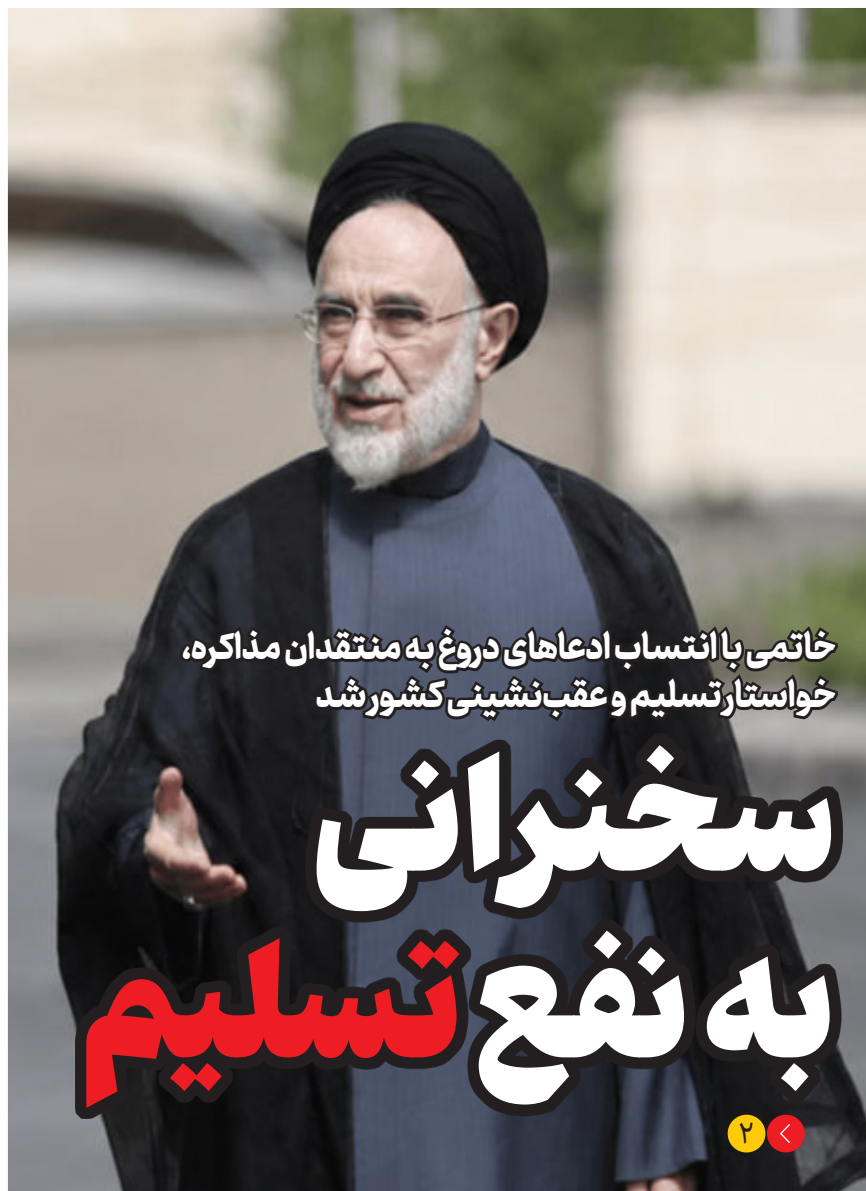
۶



قائم پناه معاون پزشکیان در یک اظهار نظر عجیب مدعی حمایت ۶۰ درصد مردم از مذاکره شد!

آمارسازی به نفع سازش

۳



خاتمی با انتساب ادعاهای دروغ به منتقدان مذاکره، خواستار تسلیم و عقب نشینی کشور شد

سخنرانی به نفع تسلیم

۲



صد او سیما باید تابع
علی الاصول رهبری باشد

۳

حامیان سازش تحریم رئیس
دیوان کیفری را تماشا کنند

۲



آقای عراقچی چه کسی
ایران را ضعیف نشان داد؟

امیر ششگانی
روزنامه نگار

صفحه ۴

اقتصادی

پول امروز، خودرو با قیمت فردا

مردمی که ۴۰ تا ۵۰ درصد از قیمت خودرو را یک سال یا حتی بیشتر زودتر به حساب خودروساز واریز می کنند، اما در نهایت نه از قیمت نهایی مطمئن هستند، نه از زمان دقیق تحویل و نه حتی از اینکه در صورت تأخیر، جبران خسارت متناسبی دریافت خواهند کرد.

صفحه ۱۱

فرهنگی

بومی انیمیشن بسازیم

انتشار پنجمین قسمت از مجموعه «داستان اسباب بازی» این روزها بهانه‌ای شده تا نگاهی دوباره به این فرانچایز محبوب بیندازیم و در پس پرده رنگارنگ اسباب بازی‌ها، واقعیتی را ببینیم که سال‌هاست در تار و پود این آثار تنیده شده است.

متن کامل در صفحه ۷

خاتمی با انتساب ادعاهای دروغ به منتقدان مذاکره، خواستار تسلیم و عقب‌نشینی کشور شد

سخنرانی به نفع تسلیم

شرافتمندانه» را به عنوان نسخه‌ای برای خروج از تنگناهای معیشتی مطرح کرده است؛ رویکردی که حاکی از دست‌خالی جریان سازش در برابر ادبیات مقاومت و عرق ملی مردم ایران در برابر متجاوزان به خاک کشور است.

در شرایطی که چهره‌های و تجاوزکار جبهه آمریکایی صهیونیستی علیه منافع ملی کشورمان خودنمایی می‌کند، خاتمی با نسبت دادن ادعاهای بی‌اساس و دروغ به جبهه انقلاب، مبنی بر اینکه منتقدان مذاکره حیات‌شان در جنگ است، نسخه «صلح



امیرحسین درکی

روزنامه‌نگار

عقلایی از جریان سازش به جامعه مطرح می‌شود. تصویری که دیگر سوی آن اتهام زنی و پرچسب جنگ طلبی است. رویکردی که از یک سو تجاوز و حمله آشکار دشمن اجنبی را نمی‌بیند و از سوی دیگر دفاع و عرق ملی ایرانیان از سرزمین را با پیش فرض و داده غلط جنگ طلبی می‌خواند!

همصدایی با منافقین و سلطنت‌طلبان

خاتمی در بخش دیگری از سخنان خود، با اتخاذ مواضعی ضد ایرانی مدعی شده است: «از یاد نبریم که در این سالها خط خونی که بین مردم و حکومت فاصله انداخته است، بسیار پررنگ است.» اظهاراتی که با واکنش‌هایی متعددی مواجه شد. از جمله صادق محصولی، دبیرکل جبهه پایداری انقلاب اسلامی در واکنش به این مواضع ضد ایرانی خاتمی نوشت: «خط خونی که بین مردم و دشمن آمریکایی صهیونی است بسیار پررنگ است.»

تجربه تاریک «صلح شرافتمندانه» در وزوئلا

قابل ذکر است که این پرسش مطرح می‌شود که در کجای این نسخه خاتمی برای سازش و تسلیم در برابر دشمن آمریکایی، آورده اقتصادی و رفاه حداکثری مردم پیش‌بینی شده است؟! بویژه اینکه تجربه معاصر و نزدیک نشان می‌دهد با تسلیم و سازش هیچگونه رفاهی برای مردمیک کشور پدیدار نمی‌شود. بویژه اینکه، آمریکایی‌ها بعد از دزدیدن رئیس‌جمهور قانونی کشور وزوئلا، در ۶ ماه اخیر هیچ سرمایه‌گذاری روی مخازن نفت وزوئلا نکرده است و بنا بر گزارش اوایل پرایس: «از زمان در اختیار گرفتن دارایی‌های نفتی وزوئلا توسط ایالات متحده، از فروش نفت این کشور بیش از ۱۳ میلیارد دلار درآمد ایجاد شده است»

که در تنگنای سخت‌زندگی به خصوص از نظر معیشت و نوبدی از آینده بهتر بصری برند بگشاییم و به سوی ایران آباد و سربلند برویم؛ این است معنی «صلح شرافتمندانه». به تعبیری دیگر، خاتمی با پیش فرض گرفتن «معیشت سخت مردم» معتقد است با سازش و تسلیم در برابر دشمن آمریکایی، رفاه مردم برقرار می‌شود و او این اتفاق را معنای «صلح شرافتمندانه» دانسته است. اینگونه اظهارات و عوام‌فریبی در حالی رخ میدهد که بالعکس معیشت و رفاه مطلوب مردم اتفاقاً در مقاومت و ایستادگی نهفته است؛ بویژه پیگیری حقوق و غرامت‌های وارد شده از جنگ و اخذ عوارض از تنگه‌هرمز که میتواند گشایش‌های اقتصادی برای عموم جامعه به همراه بیاورد.

بازی با روان مردم و شرطی کردن مقاومت و ایستادگی ملت ایران در این شرایط حساس تاریخی بزرگ‌ترین خیانتی که میتواند به کشور و ملت کرد.

راه حل خاتمی برای صلح شرافتمندانه: اگر زدند نزنید!

خاتمی همچنین خطاب به نیروهای مسلح توصیه کرد که «به نقض تعهدات آمریکا پاسخ ندهید!» او گفت: «باید تفاهم‌نامه‌ها از سوی هیچ یک از طرفین نقض نشود. نقض با نقض پاسخ داده نشود و کاری که تنش را افزایش می‌دهد انجام نگیرد.» خاتمی در ادامه سخنان خود با تقدیر از پزشک‌های، تفاهم‌نامه نقض شده میان ایران و آمریکا را سند افتخار خوانده و گفته است: «باید شجاعت و فداکاری رئیس‌جمهور محترم را که با امضاء تفاهم‌نامه افتخاری را نصیب ایران عزیز کردند قدر دانست» قابل ذکر است که به نظر می‌رسد اینگونه اظهارات با هدف ارائه یک تصویر

اخیرا خاتمی، در گفتگویی با ارائه پیش‌فرض‌هایی خیالی و دروغ، با اسم رمز «صلح شرافتمندانه» برای کشور نسخه سازش و تسلیم طلبی چید. خاتمی با بیان اینکه «بعضی‌ها می‌گویند ما حیات‌مان در جنگ است» با گرفتن پیش‌فرض غلط و انتساب کلی آن به جبهه انقلاب، مدعی شد: «می‌گویند اول پدر آمریکا را در اینجا در می‌آوریم بعد می‌رویم در قلب آمریکا با او می‌جنگیم؛ آخر با کدام واقعیت‌ها» این ادعا در حالی مطرح می‌شود که مشخص نیست، مخاطب نقل قول کلی خاتمی کیست؛ و چه کسی آن را مطرح کرده است؟ قابل ذکر است که هیچ‌یک از سرداران نظامی ما چنین جمله‌ای مبنی بر اینکه «حیات‌مان در جنگ است و باید اینجا تمام کنیم و در قلب آمریکا بچنگیم» بیان نکرده‌اند. نه از رهبر شهید انقلاب چنین فرمایشی شنیده شده، نه از سرداران، و نه از هیچ فرد مؤثری در تصمیمات کشور. و مشخص نیست این مواضع براساس چه منطقی دنبال می‌شود و اصلاً دعوا با کیست؟

در حالی که تمام جهان برای نظم پس‌آمریکایی آماده می‌شود و بنا بر اذعان بسیاری از گزارش‌ها و تحلیلگران برجسته بین‌المللی، آمریکا در باتلاق جنگ ایران گیر کرده و به دنبال راه خروج است؛ خاتمی با در پیش گرفتن موهوماتی غیرواقعی، با دادن درس غلط به دنبال به تاراج گذاشتن آنچه‌ای است که آمریکا در جنگ بدان نرسید. خاتمی در بخش دیگری از سخنانش مدعی شد: «می‌توانیم با پرهیز از تنش مصالح عمومی و خیر جامعه و عزت ایران و آینده آن را تأمین کنیم. و فضای زندگی را به روی مردمی

جریان سازش

حامیان سازش تحریم رئیس دیوان کیفری را تماشا کنند و از مذاکره بگویند

سخنگوی دولت شهید رئیس درواکنش به تحریم‌های جدید آمریکا علیه رئیس دیوان بین‌المللی کیفری در حساب کاربری خود در ایکس، خطاب به وزارت امور خارجه نوشت: وزارت امور خارجه باید به جهان بگوید دنیایی که با آمریکا در تحریم غیرقانونی ایران همکاری کند، امروز هم ناچار به تماشای تحریم غیرقانونی رئیس دیوان کیفری بین‌المللی خواهد بود. این شمشیردوشی عیان آمریکا علیه ساختارهای جهانی که خودشان ایجاد کرده‌اند، نتیجه انفعال و سرسپردگی جهان و نشان‌گر خوی دیکتاتوری و جنایتکاری رژیم آمریکا، هم در زورگویی و هم در حمایت از رژیم کودک‌کش صهیونیستی است. سخنگوی دولت سیزدهم همچنین با کنایه به جریان سازش و امیدوار به آمریکا، افزود: کسانی که فکر می‌کنند از این آمریکا میتوان به حق خود رسید، تحریم رئیس دیوان بین‌المللی کیفری را با چشم بازتری ببینند! وی تأکید کرد: یکی از مهمترین نهادهای حقوقی بین‌المللی محصول دنیای غرب که بنا بود با جرایم بین‌المللی و جانیان بزرگ مقابله کند، امروز خودش جلوی چشم جهانیان بزه‌دیده آن‌ها شده است!



خبر کوتاه

مخبر: تنگه هرمز ایرانی می‌ماند

محمد مخبر در گفتگویی اظهار داشت: قطعاً دشمن نمی‌تواند حق و منافع ایران را از ما بگیرد. تنگه هرمز هم به عنوان بخشی از جمهوری اسلامی، ایرانی بوده و ایرانی خواهد ماند و به جز با تدابیر و برنامه‌های جمهوری اسلامی، امکان بهره‌برداری از آن وجود ندارد وی افزود: این وضعیت است که ترامپ ایجاد می‌کند، برای همه دنیا دردسری سازد؛ ما نسبت به منافع خودمان اقتدار خواهیم داشت و به پشتیبانی و احقاق منافع خواهیم ایستاد.

سردار قآنی: غاصبان فلسطین در سرزمین‌های اشغالی دچار «سرطان اجتماعی» شده‌اند

فرمانده نیروی قدس طی پیامی اعلامی کرد: غاصبان فلسطین در سرزمین‌های اشغالی دچار «سرطان اجتماعی» شده‌اند؛ فروپاشی از درون، سرنوشت محتوم آنان است. تروریست‌های وحشی و رهاشده در کرانه باختری نیز نمی‌توانند آرمان جهانی فلسطین را به حاشیه برانند. الحاق منتفی است و فروپاشی، قطعی است.

روانبخش: حمله به صداوسیما در تناقض با سخن از وحدت ملی است

حجت الاسلام روانبخش، نماینده مردم قم در مجلس در حساب کاربری خود خطاب قالیباف نوشت: حمله شدید شما به صدا و سیما و تعریف و تمجید‌های مکرر از سوی نمایندگان جریان اصلاحات چه معنی و مفهومی در اذهان تداعی می‌کند؟! چگونه می‌توان از یک سواز خطر اختلاف و دو دستگی و ضرورت اتحاد حول محور ولی فقیه سخن گفت و از سوی دیگر در همان نطق به صدا و سیمای جمهوری اسلامی که مدیرش منصوب ولی فقیه است همراه با غرب گریبان حمله کرد؟!

درخواست نبویان از صداوسیما: از پاسخگویی به هجمه‌ها خودداری کنید

عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجه مجلس نوشت: برخی با وحدت شکنی، به صداوسیما بدون هیچ دلیل موجهی حمله می‌کنند. ضمن قدردانی از تلاش‌های صادقانه و مطالبه‌ی ادامه‌ی سیاست فعلی در صداوسیما، از مسؤولان محترمش می‌خواهیم به جهت حفظ وحدت، از پاسخگویی به هجمه‌ها خودداری کنند.

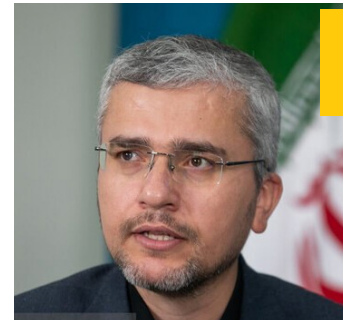
خلجی: ایران تصویر آمریکا را شکست

رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت سیزدهم در کانال تلگرامی خود نوشت: ترامپ عمان و کره، دو متحد قدیمی آمریکا را به دلیل عدم همراهی علیه ایران تهدید کرد. در جنگ هم نتوانست از گاوهای شیرده در منطقه دفاع کند و آنها را سپر خود کرد. ایران با ایستادگی هم تصویر آمریکا در دنیا را شکست، هم توازن قدرت در منطقه را بازطراحی کرد و هم ترامپ را در دنیا بی‌آبرو کرد.

انتقاد نماینده اهواز از تعطیلی صحن مجلس

مجتبی یوسفی در جلسه مجازی روز گذشته مجلس گفت: با توجه به شرایط کشور جلسات صحن علنی را حضوری کنید. طبق قانون باید جلسات صحن مجلس پخش مستقیم شود. در جلسات مجازی دائم صدا و تصویر قطع و وصل میشود و نمیشود در مسائل درست مشارکت کرد. باید جلسات حضوری شود تا همه نمایندگان بتوانند به درستی در امور مجلس مشارکت کنند.

رضایی: تنگه هرمز مسئله بلندمدت و راهبردی ما است



ابراهیم رضایی عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای

اسلامی در گفت‌وگو با شبکه خبر گفت: در سال‌های متمادی و آن مسیری که در گذشته بوده و آن هم در آب‌های عمان بوده از مسیر تنگه هرمز برای ورود به خلیج فارس و خروج از آن استفاده می‌شد. وی افزود: در ۹ اسفند کشور ما مورد حمله دشمن قرار گرفت تجهیزات و امکاناتی که از آن پایگاه‌هایی که به کشور ما حمله شد از مبدأ آنها جایی بود که از مسیر تنگه هرمز عبور کرده بود. مثلاً پایگاه آمریکایی‌ها در بحرین یا قطر یا در کویت، عربستان و عمان با شناورهای

عبوری از تنگه هرمز تجهیز شده بود بنابراین موضوع تنگه هرمز از ۹ اسفند تبدیل به یک چالش امنیت ملی برای ما شده است. رضایی تصریح کرد: برای ما مهم است که کشورمان درگیر تجاوز و تهدید نشود ما دوباره وارد جنگ نشویم. این مسئله بلند مدت و راهبردی ما است. یکی از کارهایی که باید انجام دهیم تسلط بر تنگه هرمز است که دیگر اجازه ندهیم از تنگه هرمز موشک، بمب، بمب افکن، ناو، شناور و نیروی نظامی عبور کند که بخواهد ما و مردم ما را تهدید کند.

قائم‌پناه معاون پرحاشیه پزشکیان در یک اظهار نظر عجیب مدعی حمایت ۶۰ درصد مردم از مذاکره شد!

آمارسازی به نفع سازش

«جعفر قائم‌پناه، معاون پرحاشیه پزشکیان که اخیراً با مواضع غیرمرتبط با جایگاه اجرایی خود بارها حاشیه‌ساز شده، این بار در مصاحبه با ایسنا مدعی شده نیمی از مردم ایران خواستار «صلح شرافتمندانه» و مذاکره با آمریکا هستند؛ آماري که با نظرسنجی‌های متعدد و اظهارات مقامات نظامی و اصولگرا تفاوت فاحش داشته و او را در کانون انتقادات جدید قرار داده است.»

جعفر کاظمی
روزنامه‌نگار

جعفر قائم‌پناه معاون پرحاشیه پزشکیان که هر چند روز یکبار با بیان مواضع شاذ و غیرمرتبط با جایگاه معاونت اجرایی ریاست جمهوری، حاشیه‌ساز می‌شود، روز گذشته در مصاحبه با خبرگزاری دولتی ایسنا مدعی شد ۵۰ تا ۶۰ درصد مردم خواهان مذاکره و صلح شرافتمندانه‌اند. این آمار در حالی است که نظرسنجی‌های مختلف خلاف این ادعا را نشان می‌دهد. در شرایطی که نتایج اسف‌بار تفاهم‌نامه میان روسای جمهور ایران و آمریکا هر روز بیش‌تر از قبل خودنمایی می‌کند و عموم مردم فروپاشی بند بند این تفاهم‌نامه را چه در حوزه محاصره دریایی و چه در حوزه منطقه و لبنان به وضوح می‌بینند، مقامات دولتی متوسل به آمارهای تایید شده و ادعایی برای تلطیف فضای انتقادی نسبت به مذاکره بی‌حاصل با آمریکا شده‌اند.

در این راستا و در حالی که نتایج نظرسنجی‌های معتبر، وضعیت نگاه مردم به مذاکره، تفاهم‌نامه و حتی هیات مذاکره‌کننده ایرانی را به روشنی نشان می‌دهد، فضا سازی‌ها برای وارونه‌نمایی در این موضوع شدت گرفته است. سخنان اخیر قائم‌پناه که شاذ و غیردقیق دارد نیز در همین راستا تعریف می‌شود.

گفتنی است پژوهشکده مطالعات و

تحقیقات دانشگاه جامع انقلاب اسلامی طی یک نظرسنجی، نظر مردم را در مورد موضوعاتی پیرامون جنگ و توافق ایران و آمریکا جویا شده بود که مطابق آن ۳/۲۶ مردم در پاسخ به پرسش «نظر شما در مورد مذاکره با آمریکا در حال حاضر چیست؟» پاسخ «کاملاً مخالف» داده‌اند. همچنین طبق این نظرسنجی ۱/۲۲

مردم مخالف مذاکرات و ۹/۱۲ نیز نظری متوسط داشتند؛ یعنی نه موافق و نه مخالف. ۶/۲۴ مردم نیز موافق مذاکرات و ۷/۱۱ کاملاً موافق با مذاکرات هستند. علاوه بر این مطابق نظرسنجی‌ای اخیراً تحت نظارت علی ربیعی دستیار اجتماعی رئیس دولت تهیه شده،، بیش از نیمی از پاسخگویان به تیم مذاکره‌کننده اعتماد نداشته و کمتر از یک‌سوم یعنی ۲۸.۵ درصد جامعه اعتماد بالایی به تیم جدید مذاکره‌کننده ایران دارد. علاوه بر این مطابق نظرسنجی ربیعی، حدود دو سوم جامعه با تعطیلی کامل برنامه غنی‌سازی هسته‌ای مخالف هستند. آمارهایی که به نظر می‌رسد به صورت صریح و ضمنی نظرسازی و ادعای عجیب قائم‌پناه را زیر سوال می‌برد.

علاوه بر نظرسنجی‌ها، از جمله درگاه‌های سنجش افکار عمومی درباره مذاکره با آمریکا، مشاهده مواضع مردم در تجمعات شبانه است. تجمعاتی که

طبق نظرسنجی‌های معتبر، درصد قابل توجهی از مردم در آن شرکت داشته و دارند. شعارهای صریح در مخالفت با مذاکره با آمریکا و پلاکاردهای معنادار در انتقاد از این رویه و بویژه اعضای هیات مذاکره‌کننده این موضع را به وضوح نشان می‌دهد.

خطای ده درصدی یک نظرسنجی!

نکته قابل توجه در خصوص سخنان اخیر قائم‌پناه، بیان آمارهای بی‌حساب و غیرمنطقی است. از جمله زمانی که او در خصوص رضایت مردم از عملکرد رئیس دولت سخن می‌گوید ابتدا مدعی حمایت قریب به اتفاق مردم از عملکرد پزشکیان می‌شود و در ادامه در بیان جزئیات این آمار به اعداد بیش از ۴۰ درصد در این موضوع استناد می‌کند! معاون اجرایی دولت حتی در موضوع مذاکره نیز یک بازه ده درصدی را نادیده گرفته و مدعی حمایت ۵۰ تا ۶۰ درصد مردم از مذاکره شده است.



یادداشت

صداوسیما باید تابع

"علی‌الاصول" رهبری باشد

حمید رسایی

نائب رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس

روزی نیست که به کانال‌های خبری نگاه بیاندازید و در آن نقل‌قولی از قالیباف و مریدانش در تخریب ناحق عملکرد رسانه ملی نبینید. کینه قالیباف و دبیران کل دو حزب سیمپاتی‌او یعنی مرتضی کامل‌نواب (دبیرکل جمعیت پیشرفت و عدالت) و امیرابراهیم رسولی (دبیرکل حزب نسل نو) از صداوسیما به حدی است که اخیراً در یک اقدام هماهنگ و از پیش برنامه‌ریزی شده، شمشیر را برای تیم مدیریتی در این سازمان، از رو بسته‌اند!

اینک پرسشی که باید از وفاق‌یون حاضر در مجلس دوازدهم داشت این است که رسانه ملی که رئیس آن، منصوب امام خامنه‌ای شهید محسوب می‌شود، باید از پیام علی‌الاصول امام خامنه‌ای رشید در نقد تفاهم اسلام‌آباد تبعیت کند یا از بزرگ‌کنندگان تفاهمی که تاکنون جز ضرر عاید کشور نکرده است؟!

وحدت‌معاشانی که با ولایت‌مدار جلوه دادن خود، پشت‌جان‌پناه وفاق‌سنگر گرفته‌اند، چرا برخلاف نظر رهبر انقلاب، کماکان بر دفاع از تفاهم‌نامه اصرار دارند و مدیریت رسانه ملی را به جرم تبیین مضرات مذاکره با شیطان بزرگ، دائماً تخریب می‌کنند؟!

خبر کوتاه

هشدار رئیس ستاد کل نیروهای مسلح درباره کمک به ارتش متجاوز آمریکا

سرلشکر علی عبداللهی رئیس ستاد کل نیروهای مسلح در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس که با صدور بیانیه‌های مختلف اعلام می‌کنند اجازه استفاده آمریکا از سرزمین‌هایشان علیه ایران را نمی‌دهند، باید بدانند که چیزی از چشم ما پنهان نمی‌ماند. او در ادامه آورده: این میزان هواپیمای نظامی، به ویژه هواپیمای سوخت‌رسان، در پایگاه‌های منطقه‌ای بدون اطلاع کشورهای میزبان بعید به نظر می‌رسد. وی در پایان تصریح کرده است که هشدار می‌دهیم: هرگونه کمک و تسهیل‌گری به ارتش متجاوز آمریکا به منزله مشارکت با نیروهای نظامی آمریکاست.

عزیزی: ملت ایران هرگز خیانت‌های همیشگی فرانسه را فراموش نمی‌کند

رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی در صفحه شخصی خود در یکی از شبکه‌های اجتماعی، نوشت: «ملت ایران هرگز خیانت‌های همیشگی فرانسه در موضوعاتی مانند خون‌های آلوده، اینستکس و اسنپ‌بک را فراموش نمی‌کند. ادامه این روند و اقدامات ضد ایرانی فقط باعث سخت‌تر شدن شرایط برایش خواهد شد.»

حاجی دلگانی: قالیباف از مسئولیت مذاکرات استعفا دهد تا به کارهای مجلس برسد

نماینده شاهین‌شهر در جلسه مجازی روز گذشته مجلس گفت: قالیباف از مسئولیت مذاکرات استعفا دهد تا بتواند برای مجلس وقت بگذارد و شان مجلس حفظ شود. با این کار جایگاه نظهرتی مجلس تیزنقویت می‌شود.

نفت در آستانه ۱۰۰ دلار؛ هرمز بسته‌تر و ذخایر آمریکا خالی‌تر



بازار جهانی نفت در شرایطی وارد چهارمین روز متوالی صعود شد که هم‌زمانی ریسک‌های ژئوپلیتیک، اختلال در مسیرهای حیاتی انتقال نفت و کاهش ذخایر راهبردی آمریکا، نگرانی درباره آینده عرضه را افزایش داده است. نفت برنت دیروز بالای ۹۰ دلار معامله شد و به بالاترین سطح سه هفته اخیر رسید. نفت برنت در معاملات روزانه تا ۹۱.۸۹ دلار در هر بشکه بالا رفت. نفت وست‌تکراس اینترمدیت آمریکا نیز به ۸۶.۱۱ دلار رسید. هردو شاخص در مقایسه با ابتدای هفته جاری، رشد قابل توجهی داشته‌اند. مهم‌ترین عامل افزایش قیمت‌ها، همچنان وضعیت نامشخص تردد نفتکش‌ها در تنگه هرمز است؛ گذرگاهی که پیش از آغاز جنگ آمریکا و ایران، حدود یک‌پنجم نفت و گاز طبیعی مایع جهان از آن عبور می‌کرد. طبق گزارش رویترز، تردد کشتی‌ها در این آبراه به شدت

کاهش یافته و در مقطعی تقریباً صفر شده است. در سمت دیگر بازار، ذخایر راهبردی نفت خام آمریکا نیز به نقطه‌ای کم‌سابقه رسیده است. رویترز گزارش داد که ذخایر ذخیره‌سازی راهبردی آمریکا در هفته گذشته ۵.۳ میلیون بشکه کاهش یافته و به ۲۹۳.۴ میلیون بشکه رسیده است؛ سطحی که پایین‌ترین میزان از دسامبر ۱۹۸۲ محسوب می‌شود. این روند نزولی که عمدتاً ناشی از سیاست‌های فروش از مخازن ملی در پی مدیریت قیمت نفت پس از جنگ رمضان است، زنگ هشدار را برای بازارهای جهانی به صدا درآورده است.

تحلیلگران تأکید دارند که اگر این روند کاهشی با سرعت فعلی، یعنی حدود ۵ میلیون بشکه در هفته، تداوم یابد، طی حدود ۸ هفته آینده این ذخایر به مرز حیاتی ۲۵۰ میلیون بشکه خواهد رسید. این رقم که

به عنوان «سطح فشار عملیاتی» حداقل آستانه امن برای حفظ امنیت ملی و زیرساخت‌های نفتی تعریف می‌شود، در صورت آزمون‌شدن می‌تواند وحشت‌آورانه را در بازارهای نفت دامن بزند. کارشناسان معتقدند در آن مقطع، نگرانی‌های جهانی از کمبود عرضه به شدت تشدید شده و در نهایت به جهش قابل توجه قیمت طلای سیاه در بازارهای جهانی خواهد انجامید. در چنین شرایطی، اگر اختلال در هرمز ادامه یابد و ذخایر جهانی و آمریکایی نیز امکان بازسازی سریع پیدا نکنند، نفت می‌تواند برای مدت طولانی در محدوده بالای ۹۰ دلار باقی بماند. حتی رویترز نوشت: بازار به تدریج در حال پذیرش قیمت‌های حدود ۹۰ دلار به عنوان وضعیتی پایدارتر است؛ سناریویی که در صورت تشدید بحران، بازگشت نفت به محدوده سه رقمی رانیز محتمل می‌کند.

مصوبه ۴۷۳ شورای رقابت با درخواست خودروسازان باطل شد؛

پول امروز، خودرو با قیمت فردا

ماجرای بازار خودرو فقط داستان گرانی خودرو نیست؛ داستان انتقال مداوم ریسک از خودروساز به مصرف‌کننده است. مردمی که برای خرید یک خودروی داخلی ماه‌ها در صف می‌مانند، در بسیاری از طرح‌ها ۴۰ تا ۵۰ درصد از قیمت خودرو را یک سال یا حتی بیشتر زودتر به حساب خودروساز واریز می‌کنند، اما در نهایت نه از قیمت نهایی مطمئن هستند، نه از زمان دقیق تحویل و نه حتی از اینکه در صورت تاخیر، جبران خسارت متناسبی دریافت خواهند کرد.

وجه دیگری که کمتر مورد توجه قرار گرفته، ارزش پول با توجه به رشد تورم است. فرض کنیم مشتری برای خرید خودرویی یک میلیارد تومانی، ۵۰۰ میلیون تومان را یک سال زودتر پرداخت کند. اگر برای این مبلغ سود سالانه حدود ۱۹ تا ۲۰ درصد در نظر گرفته شود، سود اسمی آن پس از یک سال حدود ۹۵ تا ۱۰۰ میلیون تومان خواهد بود. در حالی که تورم در کانال ۶۰ درصد قرار دارد. در این میان، خودروساز می‌تواند از منابع دریافتی برای تأمین سرمایه در گردش استفاده کند، مواد اولیه و قطعات را با قراردادهای مدت‌دار خریداری کند و بخشی از افزایش هزینه‌های خود را نیز در قیمت نهایی خودرو لحاظ کند.

ماجرای سایا؛ وقتی انتظار هم هزینه دارد

وضعیت فعلی برخی مشتریان سایا نمونه روشنی از همین مشکل است. افراد براساس یک طرح فروش ثبت‌نام کرده‌اند، بخشی از وجه را پرداخته‌اند، اما برای تحویل خودرو در موعد مقرر منتظر مانده‌اند؛ با این حال، بعد از ماه‌ها هیچ خبری از تحویل خودرو نیست. خریداران باید بتوانند از روز اول بدانند چه مبلغی می‌پردازند، چه زمانی خودرو را تحویل می‌گیرند، در صورت تأخیر چه میزان خسارت دریافت می‌کنند و افزایش قیمت احتمالی چگونه محاسبه خواهد شد؛ نه اینکه ماه‌ها بعد با دعوت‌نامه‌ای مواجه شوند که رقم آن با تصور اولیه آنان فاصله زیادی دارد.

مصوبه دیوان عدالت اداری مسیر را برای افزایش قیمت توسط خودروساز فراهم کرده است. البته صنعت خودرو با مشکلات ساختاری، افزایش هزینه تولید، کمبود نقدینگی، زیان انباشته و مشکلات زنجیره تأمین روبه‌رواست، اما حل این مشکلات نباید از جیب مردم انجام شود که در بسیاری از موارد هیچ گزینه جایگزینی ندارند. نتیجه ابطال ۴۷۳ نه اصلاح بازار خودرو، بلکه انتقال یک‌طرفه ریسک اقتصادی از خودروساز به مردم خواهد بود؛ مردمی که برای خرید یک خودروی داخلی ابتدا باید پول بدهند، سپس در صف بمانند، بعد افزایش قیمت را تحمل کنند و در نهایت، برای اثبات حق خود وارد فرآیندی طولانی و پرهزینه شوند. البته مشکل مردم فقط قیمت نیست. خریدار در نهایت خودرویی را تحویل می‌گیرد که کیفیت آن نیز محل انتقاد است؛ بنابراین، مصرف‌کننده در این زنجیره سه بار تحت فشار قرار می‌گیرد: انتظار طولانی، پرداخت پول بیشتر و دریافت محصولی که لزوماً متناسب با هزینه پرداخت شده نیست.

تصویب شد و منطق ساده‌ای داشت؛ یعنی اگر خریدار در زمان ثبت‌نام بخشی از قیمت خودرو را پرداخت کند، همان بخش از خودرو دیگر نباید مشمول افزایش قیمت‌های بعدی توسط خودروساز شود. برای مثال، اگر قیمت کارخانه خودرو هنگام ثبت‌نام یک میلیارد تومان باشد و مشتری ۴۵۰ میلیون تومان، یعنی ۴۵ درصد قیمت خودرو، پرداخت کند و قیمت خودرو در زمان تحویل به یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان برسد، براساس مصوبه ۴۷۳، افزایش قیمت فقط باید به ۵۵ درصد باقی‌مانده تعلق بگیرد. در این مثال، ۵۵ درصد قیمت جدید حدود ۸۲۵ میلیون تومان است و با ۴۰۰ میلیون تومان پیش‌پرداخت، مجموع پرداختی مشتری به یک میلیارد و ۲۷۵ میلیون تومان می‌رسد. اما اگر مصوبه ۴۷۳ حذف شود، قیمت خودرو یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان محاسبه و فقط ۴۰۰ میلیون تومان پیش‌پرداخت کسر می‌شود؛ بنابراین، مصوبه ۴۷۳ صرفاً یک دستورالعمل اداری ساده نبود، بلکه مستقیماً بر جیب خریدار اثر می‌گذاشت.



نیماسهیلی
روزنامه‌نگار

حالا با ابطال مصوبه ۴۷۳ شورای رقابت توسط دیوان عدالت اداری، یکی از معدود سپرهای حمایتی خریداران در قراردادهای پیش‌فروش نیز از بین رفته است؛ تصمیمی که به دنبال شکایت خودروسازان، از سوی این نهاد قضایی صادر شده است. به گفته سپهرداد جوی توکلی، سخنگوی شورای رقابت، با وجود دفاع این شورا از مصوبه، در نهایت شکایت خودروسازان وارد تشخیص داده شد. توکلی دیروز اعلام کرد: با رأی دیوان عدالت اداری، براساس درخواست خودروسازان، متأسفانه مصوبه ۴۷۳ و اصلاحات بعدی شورای رقابت ابطال شد. به گفته او، با توجه به ابطال مصوبه شورا از سوی دیوان عدالت اداری، امکان طرح شکایات در خصوص اجرای مصوبه ۴۷۳ شورای رقابت منتفی است. سخنگوی شورای رقابت گفت: در مصوبه ۴۷۳ و اصلاحات بعدی که توسط دیوان باطل شده، در پیش‌فروش خودرو، مبلغ اولیه پرداختی مشمول تورم احتمالی نمی‌شود؛ اما با این ابطال، خودروهای داخلی و مونتاژی ملزم به رعایت این موضوع نبوده و مصرف‌کننده بهای خودرو را، چه در مدل پیش‌فروش و چه در مدل مشارکت در تولید، باید به قیمت روز بپردازد. پیش از ابطال کامل مصوبه ۴۷۳ نیز دامنه حمایت این مصوبه محدود شده بود. شورای رقابت در اردیبهشت امسال، با مصوبه ۸۳۶ اعلام کرد که مصوبه ۴۷۳ در پیش‌فروش خودروهای مونتاژی دیگر ملایم عمل نیست. پس از آن، ایران خودرو و سایپا در پیروی از مصوبه جدید، قراردادهای «مشارکت در تولید» را رونمایی کردند؛ قراردادهایی که در آن به صراحت آمده بود این طرح فروش مشمول مصوبه ۴۷۳ شورای رقابت نیست. البته شورای رقابت در مردادماه تأکید کرد که این قراردادها مشمول مصوبه ۴۷۳ نیستند و حتی از خودروسازان خواست این موضوع را صریحاً در فراخوان و قرارداد درج کنند.

مصوبه ۴۷۳ چه بود و چرا اهمیت داشت؟

مصوبه ۴۷۳ شورای رقابت در مردادماه ۱۴۰۰



مسئله اصلی فراتر از یک مصوبه

در اقتصادی که تورم قدرت خرید مردم را کاهش داده، نمی‌توان از مصرف‌کننده انتظار داشت هم برای خرید خودرو پول را زودتر پرداخت کند، هم ماه‌ها بعد تحویل منتظر بماند، هم افزایش قیمت را بپذیرد و هم در صورت بدعهدی خودروساز، برای دریافت حق خود وارد مسیرهای طولانی اداری و قضایی شود. اگر قرار است دست خودروساز برای اصلاح قیمت بازر در صورت بدعهدی مصرف‌کننده نیز برای مطالبه خسارت، دریافت خودرو در موعد مقرر و برخورداری از قرارداد شفاف باز باشد، این دیگر صرفاً مسئله قیمت خودرو نیست؛ مسئله، است در قراردادی دولت یک طرف آن قدرت اقتصادی و حقوقی بسیار بیشتری از طرف دیگر دارد.

موج خبر

بالاخره آمار بازنگشتن ارزهای صادراتی اعلام شد

سال‌هاست بازگشت ارزهای صادراتی به یکی از مناقشه‌های جدی تبدیل شده، اما ابهام درباره میزان واقعی ارزهای بازنگشته، فضا را برای روایت‌های متناقض باز گذاشته است. حالا اعلام آمار رسمی بانک مرکزی، هرچند بخشی از ابهامات را برطرف می‌کند، پرسش مهم‌تری درباره چرایی افزایش تخلف و مسئولیت دستگاه‌های ناظر ایجاد می‌کند. دستیار رئیس کل بانک مرکزی در امور ارزی روز گذشته گفت: از سال ۱۳۹۷ کشور با یک شوک ارزی مواجه شد که شدت آن به اندازه‌ای بود که با اقدامات متعارف امکان کنترل نوسانات ارزی وجود نداشت. در این شرایط اقدامات مختلفی برای کنترل بازار ارز انجام شد که یکی از آنها الزام به بازگشت ارز حاصل از صادرات بود. مهدی دارابی افزود: الزام به بازگشت ارز از فروردین سال ۱۳۹۷ و بر اساس نخستین مصوبه شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا آغاز شد و در سال ۱۴۰۱ نیز عملاً با پشتوانه قانونی، الزام به بازگشت ارز ادامه پیدا کرد.

او اظهار کرد: تا حدود سال ۱۴۰۰ کمتر کسی درباره بازگشت ارز صحبت می‌کرد و دلیل آن نیز این بود که نرخ بازگشت ارز در آن سال‌ها مناسب بود، اما از سال ۱۴۰۰ نرخ بازگشت ارز کاهش پیدا کرد و از متوسط بالای ۸۵ درصد به حدود ۵۰ تا ۵۵ درصد رسید. دارابی گفت: در حال حاضر ابهامات، شایعات، ظن و گمانه‌ها و برداشت‌های نادرستی درباره بازگشت ارز ایجاد شده است. برای مثال، گفته می‌شود ۱۳۰ میلیارد دلار از پول مردم خارج شده و به کشور بازنگشته است؛ در حالی که هم عدد ۱۳۰ میلیارد دلار نادرست است و هم این تصور که این منابع متعلق به دولت یا بانک مرکزی بوده و فرد یا افرادی آن را برده‌اند، اشتباه است. وی درباره میزان تخلف در بازگشت ارز گفت: عدد ۸۱ میلیارد دلار که درباره تخلف در بازگشت ارز اعلام می‌شود، مربوط به یک سال نیست، بلکه مجموع تخلف از سال ۱۳۹۷ تاکنون است. به گفته دارابی، میزان تخلف در سال ۱۳۹۷ حدود ۶ میلیارد دلار، در سال ۱۳۹۸ نیز حدود ۶ میلیارد دلار و در سال ۱۳۹۹ حدود ۴ میلیارد دلار بوده است. این رقم در سال ۱۴۰۰ به حدود ۶ میلیارد دلار رسید، در سال ۱۴۰۱ به حدود ۸ میلیارد دلار، در سال ۱۴۰۲ به حدود ۱۱ میلیارد دلار، در سال ۱۴۰۳ به حدود ۱۷ میلیارد دلار و در سال ۱۴۰۴ به حدود ۲۰ میلیارد دلار رسید. وی ادامه داد: به طور متوسط تا سال ۱۴۰۰، سالانه حدود ۵ میلیارد دلار تخلف در بازگشت ارز داشتیم، اما در سال‌های اخیر این رقم افزایش پیدا کرده است.

وقتی دولت از کسری منابع می گوید؛

درآمد نفت بیشتر شد، چرا پول برای کالا برک نیست؟

در حالی که دولت همچنان از محدودیت منابع برای افزایش اعتبار کالا برک سخن می گوید، گزارش هایی درباره افزایش درآمدهای نفتی و انتقال ارز حاصل از فروش نفت به بانک مرکزی منتشر شده است؛ همزمان، رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس نیز از نبود شفافیت در فرآیند فروش نفت، تخصیص ارز و گردش منابع ارزی کشور انتقاد کرده است. این همزمانی،

پرسش جدی ای را ایجاد می کند: اگر منابع نفتی افزایش یافته، چرا حمایت از قدرت خرید خانوارها متناسب با جهش قیمت کالاهای اساسی افزایش نیافته است؟ مسئله فقط میزان درآمدهای دولت نیست؛ بلکه نحوه وصول، ثبت، تخصیص و نظارت بر این درآمدها نیز به موضوعی مهم در سیاست گذاری اقتصادی تبدیل شده است.



هادی هدایت زاده

روزنامه نگار

در حالی که مقامات مختلف دولت بارها از کمبود منابع برای افزایش اعتبار کالا برک گفته اند، به تازگی خبرهایی از افزایش رقم وصولی درآمدهای نفت منتشر شده است. همزمان، دیروز رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس نیز از شفاف نبودن درآمدهای نفتی کشور گلایه کرد. به نظر می رسد فرآیند غیرشفاف فروش نفت به عاملی تبدیل شده است که با پنهان ماندن میزان درآمدهای نفتی وصول شده، دولت بتواند مدعی کسری منابع شود و از اجرای کامل برنامه های حمایتی نظیر کالا برک شانه خالی کند. طی ماه های گذشته، با افزایش شدید قیمت کالاهای اساسی، موضوع افزایش اعتبار کالا برک به یکی از دغدغه های جدی بسیاری از مردم، به ویژه دهک های کم درآمد، تبدیل شده است. مقامات دولت دی ماه سال گذشته، هم زمان با اجرای سیاست موسوم به یکسان سازی نرخ ارز، وعده دادند متناسب با افزایش نرخ ارز و رشد درآمدهای دولت از محل فروش ارز حاصل از صادرات نفت، رقم اعتبار کالا برک را افزایش دهند.

اکنون با گذشت هشت ماه از اجرای این طرح، نه تنها رقم اعتبار کالا برک افزایش نیافته، بلکه هیچ چشم انداز مشخصی از زمان افزایش اعتبار آن نیز وجود ندارد. این مسئله باعث شده اساساً کلیت افزایش اعتبار کالا برک در سال جاری در هاله ای از ابهام قرار گیرد.

امتناع از افزایش کالا برک با وجود رشد درآمد نفتی؟

موضوع افزایش نیافتن رقم اعتبار کالا برک زمانی جنجالی تر شد که خبرهایی از افزایش درآمدهای نفتی دولت منتشر شد. در آخرین نمونه، روز گذشته خبرگزاری فارس در خبری اعلام کرد طبق اطلاعات کسب شده از وزارت نفت، ۷.۵ میلیارد دلار ارز نفتی مرتبط با فروش چهار ماه نخست امسال در اختیار بانک مرکزی قرار گرفته است؛ رقمی که ۵۰ درصد بیشتر از درآمد نفتی چهار ماه نخست سال گذشته عنوان شده است. در این خبر همچنین آمده است که بر اساس روند بلندمدت هزینه های دلاری دولت، درآمد نفتی چهار ماه نخست سال می تواند هزینه های ارزی دولت از تیر تا دی ماه امسال را پوشش دهد. افزایش درآمدهای نفتی دولت، همزمان با مقاومت در برابر افزایش اعتبار

کالا برک، این پرسش را ایجاد می کند که آیا دولت عزمی برای جبران بخشی از قدرت خرید ازدست رفته مردم در اثر افزایش قیمت کالاهای اساسی دارد یا خیر.

چرا درآمد نفتی محرمانه شد؟

پس از بازگشت تحریم ها در اردیبهشت سال ۱۳۹۷، فروش نفت ایران از طریق مجاری غیررسمی و واسطه ها انجام شد. هدف از این کار، پنهان کردن اطلاعات فروش نفت ایران از آمریکا برای مصون ماندن از تحریم ها و تداوم درآمدهای نفتی کشور بود. این فرآیند به تدریج به اندازه ای پیچیده و گسترده شد که اکنون بسیاری از مقامات کشور نیز از وضعیت فروش نفت و از، جمله، درآمدهای حاصل از آن اطلاع دقیقی ندارند. همین مسئله روز گذشته صدای اعتراض رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس را درآورد. سیدشمس الدین حسینی با انتقاد از سازوکار تخصیص ارز ترجیحی و نحوه مدیریت منابع ارزی کشور اظهار کرد: برای من، به عنوان رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس، سخت است که امروز بگویم برخی از طلبکاران ارز ترجیحی، همان بدهکاران ارزی هستند و این موضوع باید برای مردم روشن شود. وی افزود: تراستی های تجاری و تراستی های مالی با واردکنندگان کالاهای اساسی یکی شده اند و در حالی که از یک سو خود را طلبکار معرفی می کنند، از سوی دیگر بدهکار نیز هستند.

حسینی با اشاره به سازوکار تصمیم گیری درباره فروش نفت و تخصیص ارز گفت: در دولت دوازدهم و در دوره دولت آقای روحانی، دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی تصمیم گرفت کمیته ای تشکیل شود تا در آن مشخص شود چه کسی نفت بفروشد و ارز حاصل از آن به چه کسانی اختصاص پیدا کند. رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس ادامه داد: در این کمیته نه رئیس سازمان برنامه و بودجه، نه وزیر امور اقتصادی و دارایی و نه رئیس کل بانک مرکزی حضور داشتند؛ کمیسیون های برنامه و بودجه و اقتصاد مجلس نیز در این فرآیند نقشی نداشتند و همان کمیته درباره تخصیص ارز تصمیم گیری می کرد.

خرانه داری را احیا کنید

حسینی بر ضرورت احیای جایگاه خزانه داری در مدیریت منابع دولت تأکید کرد و خطاب به محمد باقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی، گفت: خزانه داری را احیا کنید. حسینی بر لزوم اجرای

اصل ۵۳ قانون اساسی تأکید کرد و گفت: مطابق این اصل، کلیه دریافت های دولت باید در حساب های خزانه داری متمرکز شود و پرداخت های دولت نیز باید در چارچوب تخصیص و از محل خزانه انجام شود. وی بیان کرد: در حال حاضر این اتفاق به طور کامل رخ نمی دهد و به همین دلیل برخی مسئولان نیز از وضعیت واقعی درآمدهای کشور اطلاع دقیقی ندارند. وزیر اسبق اقتصاد بر ضرورت تقویت نقش دیوان محاسبات تأکید کرد و گفت: دیوان محاسبات را احیا کنید تا نمایندگان مجلس بتوانند بررسی کنند که آیا منابع کشور واقعاً تحقق پیدا کرده است یا خیر. مجلس باید بتواند به عنوان نماینده مردم، میزان تحقق منابع و درآمدهای کشور را به صورت دقیق بررسی و درباره آن گزارش شفاف ارائه کند.

منابع حمایتی متناسب با ارز بالا نرفت

رئیس انجمن تولیدکنندگان و تأمین کنندگان برنج ایران گفت: در گذشته ارز ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی برای واردات کالاهای اساسی اختصاص می یافت، اما این ارز حذف شد و قرار بود حمایت دولت به جای ابتدای زنجیره، در انتهای زنجیره و به مصرف کننده اختصاص پیدا کند. وی افزود: فلسفه این تغییر آن بود که به جای پرداخت یارانه در ابتدای زنجیره و تخصیص ارز ارزان به واردکننده، منابع حمایتی در اختیار مردم قرار گیرد تا یارانه به مصرف کننده نهایی برسد. رئیس انجمن تولیدکنندگان و تأمین کنندگان برنج ایران گفت: نمی توان از یک طرف ارز ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی را حذف کرد و نرخ ارز را به حدود ۱۵۷ هزار تومان رساند و از طرف دیگر، حمایت وعده داده شده برای مصرف کننده را به میزان متناسب افزایش نداد. وی با اشاره به کاهش قدرت خرید مردم و افت تقاضا در بازار اظهار کرد: امروز مسئله فقط تأمین کالا نیست؛ قدرت خرید مردم نیز اهمیت دارد. وقتی حمایت از مصرف کننده متناسب با افزایش هزینه تأمین کالا افزایش پیدا نکند، تقاضا در بازار کاهش می یابد و این مسئله در نهایت هم به تولیدکننده و هم به مصرف کننده آسیب می زند. رئیس انجمن تولیدکنندگان و تأمین کنندگان برنج ایران ادامه داد: وقتی هزینه واردات و تأمین کالا چند برابری شود، باید منابع حمایتی نیز متناسب با آن بازنگری شود؛ در غیر این صورت، فشار اصلی به مصرف کننده منتقل خواهد شد.

کاهش قدرت خرید، بازار را کوچک کرد

نبض اقتصاد

طلای آنلاین؛ سرمایه گذاری بی پشتوانه در سایه خلأ نظارت

سرمایه گذاری در بازار طلا، در ایران و جهان، به دلیل بازدهی جذاب این فلز زرد مورد توجه بانک های مرکزی، سرمایه گذاران و خانوارها قرار گرفته است. در ایران، قیمت طلا از دو متغیر اصلی، یعنی نرخ ارز و بهای جهانی هراونس طلا، اثر می پذیرد. با این حال، طی ۱۷ ماه گذشته، از ابتدای سال گذشته تا دیروز، ۲۹ مرداد ۱۴۰۵، قیمت طلا حدود ۱۴۵ درصد افزایش یافته است. هر گرم طلای ۱۸ عیار که در ابتدای سال گذشته ۷ میلیون و ۹۳۸ هزار تومان قیمت داشت، دیروز در محدوده ۱۹ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان معامله شد. افزایش قیمت، بسیاری از مردم را به خرید طلای آب شده سوق داده است؛ بازاری که خود با ریسک هایی مانند عیارسنجی، اصالت، نگهداری و امکان کلاهبرداری همراه است. پیش از این، خانوارها بیشتر طلای ساخته شده می خریدند، اما برای سرمایه گذاری، پرداخت اجرت ساخت توجیه اقتصادی ندارد؛ چرا که اجرت معمولاً بین ۱۲ تا ۲۰ درصد به قیمت هر گرم طلا اضافه می کند. در چنین شرایطی، از تابستان ۱۴۰۳ پلتفرم های فروش آنلاین مطرح شدند، اما این پلتفرم ها از همان ابتدا با حواشی جدی درباره امنیت سایبری، ذخیره واقعی طلا، مجوزها و مهم تر از همه، «خالی فروشی» مواجه بود. خالی فروشی به معنای فروش طلایی است که در عمل وجود ندارد یا به اندازه تعهدات پلتفرم ذخیره نشده است. در این حالت، فرد تصور می کند مالک بخشی از طلاست، اما در زمان مطالبه یا تحویل، ممکن است پلتفرم توان ایفای تعهد خود را نداشته باشد.

سرهنگ خالقی، معاون پلیس فتا روز گذشته اعلام کرد: طی سه سال گذشته، از زمان آغاز فعالیت عمومی نخستین پلتفرم آنلاین طلا، ۵۰۸ پرونده کلاهبرداری در این حوزه تشکیل شده است. اواز ۸ حمله سایبری به حدود ۳۰ پلتفرم در سه سال گذشته خبرداد و گفت: ۶ مورد آن ناشی از خطاهای ابتدایی مانند رمز عبور ضعیف، ذخیره رمز در مرورگر، نبود احراز هویت چند مرحله ای، پیگیری نادرست و به روزرسانی نکردن سرویس های آسیب پذیر بوده است. خالقی هشدار داد: اطلاعات نزدیک به ۴۰ میلیون کاربر در پلتفرم های آنلاین طلا ذخیره شده است. این اطلاعات می تواند زمینه ساز فیشینگ و پیامک های کلاهبرداری شود. وی همچنین از جمع آوری یک پلتفرم به دلیل حدود ۲۰۰ هزار مورد خالی فروشی خبرداد و گفت در نمونه ای دیگر، پلتفرمی با ۲۰ هزار کاربر به دلیل خالی فروشی از بین رفت.

هشدار درباره پلتفرم های طلا

میثم ظهوریان، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس نیز، با انتقاد از وضعیت تنظیم گری کسب و کارهای پلتفرمی و دیجیتال در کشور، این حوزه را یکی از «بی قانون ترین زیست بوم های کسب و کار» عنوان کرد و نسبت به فعالیت پلتفرم های فروش آنلاین طلا هشدار داد. ظهوریان در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: سرمایه داری پلتفرمی و دیجیتال در ایران یکی از بی قانون ترین زیست بوم های کسب و کار کشور است و این کسب و کارها با شکل دهی به نظام صنفی قدرتمند و نفوذ در نهادهای تصمیم گیر، از وزارت ارتباطات تا ریاست جمهوری، تاکنون مانع شکل گیری قواعد تنظیم گری کسب و کار در این حوزه شده اند. وی یکی از مصادیق این موضوع را پلتفرم ها و اپلیکیشن های فروش آنلاین طلا عنوان کرد و افزود: برخی از این اپلیکیشن ها ادعا می کنند معادل طلای فروخته شده خود را در بانک کارگشایی به امانت گذاشته اند، اما بانک کارگشایی حاضر به تأیید عیار و کیفیت طلاهای به ودیعه گذاشته شده نیست. ظهوریان با انتقاد از آنچه «اختصاصی سازی سود و اجتماعی سازی زیان» در اقتصاد کشور خواند، تأکید کرد: این قاعده باید متوقف شود. فعالیت پلتفرم های فروش آنلاین طلا باید در چارچوب قواعد مشخص تنظیم گری و با سازوکارهای شفاف برای صیانت از حقوق مشتریان انجام شود. هشدار اصلی اما متوجه مردم است: بازدهی بالای طلا، جای تضمین سرمایه را نمی گیرد. تازمانی که ذخیره واقعی طلا، نحوه تسویه، بیمه دارایی ها، مسئولیت نهاد ناظر و سازوکار جبران خسارت شفاف نشده، خرید آنلاین طلا باید نه یک سرمایه گذاری بی خطر، بلکه معامله ای با ریسک جدی تلقی شود.

یادداشت

سوریه، میدان تقابل
آنکارا و تل آویومحسن پوردادفر
روزنامه‌نگار

حملات اخیر رژیم صهیونیستی سوریه نشان می‌دهد اختلافات ترکیه و رژیم صهیونیستی بر سر آینده این کشور دیگر صرفاً یک رقابت پنهان ژئوپلیتیکی نیست، بلکه به نقطه‌ای رسیده که حتی فرستاده آمریکا نیز از نزدیک بودن رویارویی مستقیم دو طرف سخن می‌گوید. حمله هوایی رژیم صهیونیستی به پایگاه «ابوالظهور» در شمال غرب سوریه، که در بازسازی آن ترکیه نقش داشته، در واقع شلیک به یک پایگاه نبود بلکه پیامی روشن برای آنکارا بود. اینکه تل آویو نمی‌خواهد نفوذ ترکیه در سوریه تثبیت شود.

دفتر نخست وزیر جنایتکار رژیم صهیونیستی تلاش کرده این حمله را با ادعای جلوگیری از استقرار ارتش ترکیه در ابوالظهور توجیه کند. ادعایی که آنکارا آن را کذب دانسته و حمله را تجاوزی علیه حاکمیت سوریه خوانده است. اما فارغ از روایت‌ها، واقعیت میدانی چیز دیگری می‌گوید. توماس باراک، فرستاده ترامپ در امور سوریه، صراحتاً اعلام کرده که تنها یک قدم با درگیری نظامی مستقیم میان ترکیه و اسرائیل فاصله وجود داشته است. این اظهار نظر نشان می‌دهد شکاف میان دو طرف به اندازه‌ای جدی شده که حتی واشنگتن نیز نمی‌تواند آن را نادیده بگیرد. مسئله اصلی اما فراتر از یک پایگاه هوایی است. رژیم صهیونیستی سوریه‌ای ضعیف، چندپاره و گرفتار در حوزه‌های نفوذ متعدد را برای امنیت خود مناسب‌تر می‌داند. تجربه سال‌های گذشته نیز نشان داده که صهیونیست‌ها هرگاه نتوانسته‌اند یک کشور منطقه را تحت کنترل سیاسی درآورند، مسیر تضعیف ساختار مرکزی و تقویت شکاف‌های قومی و جغرافیایی را دنبال کرده‌اند. از این منظر، حرکت تدریجی تل آویو به سمت تجزیه عملی سوریه چندان دور از انتظار نیست.

اما ترکیه محاسبه متفاوتی دارد. آنکارا سوریه را نه یک سرزمین قابل تقسیم، بلکه بخشی از عمق راهبردی و امنیتی خود می‌داند و می‌کوشد با حفظ یکپارچگی سرزمینی این کشور به خصوص در زمینه کنترل کردها و حفظ سلطه دولت جولانی بر آنها، نفوذ سیاسی و نظامی خود را تثبیت کند. مهم‌تر آنکه دولت جولانی نیز در این معادله به ترکیه نزدیک است و همین مسئله، نگرانی تل آویو را دوچندان کرده است.

بنابراین، آنچه در ابوالظهور رخ داد نشان می‌دهد سوریه به صحنه برخورد دو پروژه تبدیل شده است. پروژه‌ای که به دنبال سوریه‌ای ضعیف و تکه‌تکه است و پروژه‌ای که می‌خواهد سوریه یکپارچه اما تحت نفوذ آنکارا باقی بماند. همین تضاد، دیرپا زود ترکیه و رژیم صهیونیستی را به سمت رویارویی جدی‌تری سوق خواهد داد. رویارویی‌ای که آمریکا نیز ظاهراً دیگر قادر به مهار کامل آن نیست.

بین الملل

پولیتیکو: فشار اقتصادی ترامپ علیه ایران ممکن است نتیجه معکوس بدهد



نشریه آمریکایی پولیتیکو در گزارشی درباره راهبرد دولت دونالد ترامپ برای افزایش فشار اقتصادی بر ایران، نسبت به موفقیت این سیاست ابراز تردید کرد و نوشت تهران ممکن است آمادگی داشته باشد درد و فشار اقتصادی بسیار بیشتری از آنچه واشنگتن انتظار دارد، تحمل کند. پولیتیکو با اشاره به وعده اسکاوت بسنت، وزیر خزانه‌داری آمریکا، برای ایجاد سطحی از انزوای اقتصادی علیه ایران که به گفته او «هرگز دیده نشده است»، تأکید کرد مقام‌های سابق دولت ترامپ، سفیران پیشین آمریکا و کارشناسان خاورمیانه نسبت به اینکه تشدید تحریم‌ها بتواند ایران را وادار به پذیرش خواسته‌های واشنگتن کند، تردید دارند. جیمز جفری، سفیر سابق آمریکا، نیز سیاست تحریمی واشنگتن را یک «کارزار فرسایشی» توصیف کرد و با اشاره به سابقه طولانی تحریم‌ها علیه ایران گفت دشوار است تصور کنیم پس از ۲۰ سال تحریم و تجربه ایران در دور زدن آنها، اقدام جدیدی بتواند اثری تعیین‌کننده داشته باشد. این گزارش در واقع نشان می‌دهد محاسبه واشنگتن درباره ایجاد نقطه فروپاشی در ایران با تردید جدی حتی از سوی کارشناسان آمریکایی مواجه است. به بیان دیگر، افزایش فشار اقتصادی لزوماً به تسلیم تهران منجر نمی‌شود و ایران نشان داده است که توانایی سازگاری با فشارها و عبور از محدودیت‌های تحریمی را دارد.

صهیونیست‌ها حملات را ادامه دادند

آتش بس برای اسرائیل؛
بمباران برای غزه

در شرایطی که اخبار اقدامات اسرائیلی آمریکا برای تسلیم شدن و تحویل سلاح حماس برای همراهی رژیم صهیونیستی با تشکیل دولت در نیوار غزه ادامه دارد، رژیم صهیونیستی بار دیگر نشان داده است که آتش بس برای این رژیم چیزی جز فرصتی برای بازسازی صفوف و اعمال فشار بیشتر بر فلسطینیان نیست. از حمله هوایی به یک کافه در غرب شهر غزه و شهادت دست‌کم ۶ غیرنظامی، از جمله یک کودک، تا اعلام صریح مقامات صهیونیستی مبنی بر ادامه عملیات علیه حماس، همه چیز از این واقعیت حکایت دارد که تل آویو همچنان به دنبال تحمیل خواسته‌های خود با زبان بمب و ترور است.

احسان میرباقری
روزنامه‌نگاراعتراض در
قلب تل آویو

شاید یکی از گویاترین نشانه‌های عمق جنایات رژیم صهیونیستی، اعتراضاتی باشد که این روزها حتی در قلب تل آویو شکل گرفته است. اعضای حزب «حشد» در اعتراض به نسل‌کشی در غزه و پاکسازی قومی در کرانه باختری، مقابل مجتمع دولتی تل آویو دراز کشیدند و با پاشیدن رنگ قرمز بر بدن خود، نمادی از خون قربانیان نمایش گذاشتند.

شاید یکی از گویاترین نشانه‌های عمق جنایات رژیم صهیونیستی، اعتراضاتی باشد که این روزها حتی در قلب تل آویو شکل گرفته است. اعضای حزب عربی «حشد» در اعتراض به نسل‌کشی در غزه و پاکسازی قومی در کرانه باختری، مقابل مجتمع دولتی تل آویو دراز کشیدند و با پاشیدن رنگ قرمز بر بدن خود، نمادی از خون قربانیان فلسطینی را به نمایش گذاشتند.

این اعتراض در یکی از پرتددترین نقاط تل آویو انجام شد و پیام روشنی داشت. آنچه در غزه جریان دارد، دیگر حتی در داخل سرزمین‌های اشغالی نیز نمی‌تواند صرفاً به عنوان عملیات نظامی یا اقدام علیه حماس توجیه شود. از طرفی جنایت صهیونیست‌ها در غزه تنها به بمباران محدود نمی‌شود. همزمان با حملات نظامی، بحران انسانی نیز همچنان در حال تشدید است. سازمان ملل درباره ادامه گرسنگی در نوار غزه هشدار داده و اعلام کرده است که کشاورزان تنها به حدود ۳ درصد از اراضی کشاورزی دسترسی دارند. به این ترتیب، رژیم صهیونیستی در کنار بمب و موشک، عملاً با محدود کردن دسترسی مردم به غذا و منابع حیاتی، فشار بر جامعه فلسطینی را افزایش داده است. در چنین شرایطی، حمله به یک کافه در بندر غزه و شهادت ۶ نفر، از جمله یک کودک، تنها یک حادثه نظامی نیست

رژیم صهیونیستی در شرایطی که حملات خود در غزه ادامه می‌دهد که قرار بوده است در این مدت آتش بس در غزه حاکم باشد و بر اساس گزارش‌های منتشر شده، این رژیم به هیئت صلح اعلام کرده که فعلاً قصد متوقف کردن حملات علیه غزه را ندارد. موضوعی که معنای روشن آن، بی‌اعتنایی آشکار به تلاش‌های میانجی‌گران و تبدیل آتش بس به توافقی یک‌طرفه است که تنها از طرف فلسطینیان انتظار رعایت آن می‌رود.

در همین چارچوب، جنبش جهاد اسلامی فلسطین با اشاره به ادامه حملات، تأکید کرده است که رفتار رژیم صهیونیستی نشان می‌دهد این رژیم با تمام تلاش‌های مربوط به آتش بس مخالفت کرده و بر ادامه جنگ نسل‌کشی اصرار دارد. حماس نیز با تأکید بر مسئولیت‌پذیری خود در قبال مذاکرات، از میانجی‌ها و دولت آمریکا خواسته است رژیم اشغالگر را به تعهدات خود ملزم کنند. حال آنکه این رژیم کودک‌کش هیچ الزام و زبانی جز زور را نمی‌فهمد!

بلکه بخشی از همان روندی است که هدف آن شکستن اراده مردم فلسطین از طریق استمرار ناامنی، گرسنگی و ترور است.

در این میان، تلاش تل آویو برای تبدیل موضوع خلع سلاح حماس به پیش‌شرط بازسازی غزه نیز قابل توجه است. در نشست اخیر میان جرد کوشنر و بنیامین نتانیاو، مسئله خلع سلاح حماس و نحوه اجرای توافق آتش بس از محورهای اصلی اختلاف بوده است. اما بدیهی است که مقاومت فلسطین به درستی نمی‌تواند سلاح خود را به رژیم تحویل دهد که همزمان با مذاکره، آتش بس را نقض می‌کند و حملات نظامی را ادامه می‌دهد. حماس نه تنها نباید سلاح خود را تحویل دهد، بلکه اساساً منطقی نیست از مقاومتی که با اشغالگری مواجه است خواسته شود ابزار دفاعی خود را کنار بگذارد. تجربه سال‌های گذشته نیز نشان داده است که رژیم صهیونیستی حتی به توافقی‌هایی که خود پای آنها را امضا کرده، پایبند نمی‌ماند. چگونه می‌توان از مقاومت فلسطین انتظار داشت در برابر رژیمی که همچنان در پی تصاحب خاک غزه، گسترش اشغالگری و تضعیف ساختار سیاسی فلسطینیان است، سلاح خود را کنار بگذارد؟ لذا مقاومت فلسطین نیز به خوبی می‌داند که در برابر چنین دشمنی، سلاح نه ابزار جنگ طلبی، بلکه تضمین موجودیت و بقای ملت فلسطین است.

از واشنگتن تا ابوظبی، حلقه فشار علیه ایران در حال تکمیل شدن است و تهران باید پاسخ راهبردی بدهد

بازی شیوخ عرب با دم شیر

تصمیم امارات برای توقف تمام مبادلات تجاری و مالی با ایران، فقط یک اقدام اقتصادی نیست؛ قطعه دیگری از پازل جنگی است که دشمن می‌کوشد ایران را از بیرون محاصره و از درون فرسوده کند. اقدام مجدد امارات، حملات

مشکوک در اقلیم شمال عراق و دیگر فشارها بر همسایگان ایران نشان دهنده دور جدیدی از فشار راهبردی بر ایران است فشاری که با کنار گذاشتن احتیاط و شکست محاصره دریایی، فلج خواهد شد.



محسن فرهمند

روزنامه‌نگار

امارات باز هم ورقی دیگر از خباثت و دشمنی خود را آشکار کرد. وزارت خارجه ابوظبی شامگاه سه‌شنبه اعلام کرد تمام فعالیت‌های تجاری، مبادلات و معاملات مالی با ایران تا اطلاع ثانوی متوقف می‌شود. این تصمیم پس از آن اعلام شد که وزارت دفاع امارات مدعی شد دو موشک بالستیک از سوی ایران به سمت این کشور شلیک شده است؛ ادعایی که تهران آن را کاملاً مردود دانست و آن را خلاف حسن همجواری و تلاش‌های اعتمادساز منطقه‌ای خواند

در شرایط جنگی، تصمیم‌های ابوظبی مستقیماً در معادله فشار علیه ایران اثر می‌گذارد. این همان جایی است که باید یک خطای قدیمی در محاسبات تهران اصلاح شود. ایران سال‌ها بخشی از تجارت خارجی خود را به مسیری گره زده که در شرایط بحران، امکان تبدیل شدن آن به اهرم فشار علیه کشور وجود دارد. وابستگی بیش از اندازه به یک هاب تجاری خارجی، آن هم در کشوری که روابط امنیتی و نظامی نزدیکی با آمریکا دارد، جنگ آسیب‌پذیری راهبردی است.

امروز دیگر مسئله «تراستی‌ها» نه صرفاً یک پرونده اقتصادی، بلکه یک مسئله امنیتی دانست؛ سازوکاری که نتیجه یکی دیگر از اقدامات دولت حسن روحانی یعنی تعیین سازوکاری بی ضابطه، بدون حسابرسی درست و صلاحیت سنجی از سال ۹۷ بود. اگر کشوری در میانه جنگ بتواند مسیر تجارت ایران را ببندد، معنایش این است که طراحی تجارت خارجی کشور از ابتدای دوره جنگ اقتصادی به اندازه کافی مقاوم و متنوع نبوده است.

از این مهم‌تر، یک مشکل خطرناک‌تر در داخل وجود دارد: هنوز بخشی از جریان سیاسی کشور عمق جنگ را درک نکرده است. اما در طرف مقابل، آمریکایی‌ها ظاهراً دقیقاً می‌دانند در

سایه ادامه سیاست اشتباه صبر استراتژیک و احتیاط در پاسخ نظامی نقطه فشار دریا هست دولت ترامپ طی هفته‌های اخیر محاصره دریایی و فشار اقتصادی را به یکی از ستون‌های اصلی راهبرد خود تبدیل کرده است. اسکات بسنت نیز از ترکیب فشار اقتصادی بی‌سابقه با ادامه محاصره دریایی سخن گفته و پنتاگون بر توانایی حفظ این فشار برای مدت نامحدود تأکید کرده است. این یعنی دشمن به دنبال جنگی است که الزاماً با بمباران تمام‌عیار پیش نرود؛ بلکه با بستن راه نفس اقتصادی، ایجاد کمبود و فشار بر غیرنظامیان که مصداق بارز جنایت جنگی است، کشور را به عقب‌نشینی وادار کند. این راهبرد یک نقطه ضعف بزرگ دارد: ایران فقط یک کشور ساحلی نیست؛ کشوری با مرزهای متعدد زمینی، مسیرهای ریلی، دسترسی به آسیای مرکزی، ارتباط با چین و ظرفیت دریای کاسپین است. همین جغرافیا باعث می‌شود محاصره دریایی، هرچقدر هم پرهزینه و مؤثر باشد، الزاماً به معنای محاصره کامل ایران نباشد. بنابراین مسئله اصلی، شکستن این محاصره در سطح راهبردی است؛ یعنی نباید اجازه داد دشمن با تکیه بر دریا، اهرم فشار مطلق پیدا کند.

احتیاط نباید به فلج راهبردی تبدیل شود

اما چرا این تصور ایجاد شده است که ایران نمی‌تواند در برابر محاصره دریایی آمریکا سطح تنش را افزایش دهد؟ تا امروز بخش بزرگی از حملات موشکی ایران علیه اهداف دریایی با موشک‌های کروز با سرعت پایین انجام شده است؛ در حالی که انصارالایمن از موشک‌های بالستیک ضدکشتی با سرعت‌های بسیار بالاتر نیز استفاده کرده است و نوع برخورد یمن با آمریکا منجر به ترس آمریکا از عبور ناو جورج بوش از باب المندب شد.

ممکن است این تلقی ایجاد شود که ایران تمایلی به وارد کردن تلفات گسترده به نیروهای آمریکایی نداشته باشد و

همچنان پنجره‌ای برای دیپلماسی باز بماند. اما خویشتن داری را نباید با ناتوانی اشتباه گرفت. توانایی ایران برای شلیک رگباری و پراکنده موشک و حفظ بخشی از ظرفیت موشکی پس از ماه‌ها جنگ، اساساً چنین برداشتی را بی‌معنا می‌کند. البته شکستن محاصره دریایی به معنای بی‌محابا رفتن به سمت جنگی بدون محاسبه نیست. اتفاقاً محاسبه دقیق نظامی لازم است؛ اما احتیاط نباید به فلج راهبردی تبدیل شود. تجربه مقاومت منطقه‌ای نیز نشان داده است که پاسخ زمانی بازدارنده می‌شود که طرف مقابل بداند هزینه ادامه فشار از منفعت آن بیشتر خواهد شد. اینجا جاست که باید از منطق شهید عماد مغنیه درس گرفت: پاسخ به خون را نمی‌توان صرفاً با تخریب ساختمان داد؛ بازدارندگی زمانی شکل می‌گیرد که دشمن بداند هر ضربه، هزینه‌ای واقعی و متناسب برای او ایجاد می‌کند.

مسئله آخر، کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس است. این کشورها طی سال‌های اخیر با مشاهده برخی عقب‌نشینی‌ها و اختلافات داخلی ایران، به این تصور رسیده‌اند که می‌توانند همزمان از آمریکا و غرب امتیاز بگیرند، در جنگ علیه ایران نقش ایفا کنند و با چند جمله دیپلماتیک خود و استفاده از لابی خود در داخل ایران را از پیامدهای آن مصون نگه دارند. اقدام امارات نشان داد این تصور تا چه اندازه باید جدی گرفته شود.

از این پس، مماشات بی‌حساب با دولت‌های حاشیه خلیج فارس می‌تواند هزینه‌ای راهبردی برای ایران داشته باشد. تهران باید تجارت خود را از انحصار هر مسیر یا کشوری خارج کند؛ نه از سرانجام، بلکه برای اینکه هیچ دولت کوچکی نتواند با یک بیانیه، جریان اقتصادی ایران را هدف بگیرد.

واژ سویی دیگر اعراب حاشیه خلیج فارس که بیشتر از زمان جنگ ایران و عراق شمشیر را از رو بسته‌اند، باید آماده تاوانی سنگین از سوی ایران برای سالها خیانت خود به ایران باشند.



جنگ را هنوز عده‌ای «زد و خورد» می‌بینند!

مسئله اصلی فقط امارات نیست؛ مسئله، خطای محاسباتی در داخل است. وقتی ترور رهبر کشور، شهادت هزاران نفر، خسارت‌های سنگین اقتصادی و حملات گسترده دشمن توسط اصلاح‌طلبان به یک «تنش» تقلیل داده شود، نتیجه چیزی جز باز گذاشتن دست دشمن نیست. جنگ اخیر را باید جنگی تمام‌عیار علیه امنیت و تمامیت ایران دید، نه حادثه‌ای که با تعارف دیپلماتیک و عقب‌نشینی یک‌طرفه مهار شود.

یادداشت

آقای عراقچی چه کسی ایران را ضعیف نشان داد؟

امیرشهبهانی
روزنامه‌نگار

سید عباس عراقچی، وزیر امور خارجه، درباره کارنامه دو ساله وزارت خارجه دولت پزشکیان گفته است: «تصور ایران ضعیف بعد از جنگ رمضان به طور کامل از بین رفت.» اصل گزاره، اگر صرفاً توصیفی خوانده شود، درست است؛ اما مراد و موقعیت بیان آن، نکته مهم‌تری را ناخواسته آشکار می‌کند: اگر امروز انگاره ایران ضعیف از بین رفته، سؤال اول این است که این انگاره چگونه و به دست چه کسانی ساخته شد؟ و سؤال دوم مهم‌تر: چه نهاد و جریانی آن را شکست و چه کسانی پس از این پیروزی تاریخی، مانع تثبیت دستاورد آن شدند؟

عراقچی در واقع ناخواسته اعتراف می‌کند که جنگ رمضان و حمله آمریکا به ایران، در بستری شکل گرفت که دشمن ایران را ضعیف ارزیابی کرده بود. اما چه کسی این تصویر را ساخت؟ انگاره ضعف، یک شبه ایجاد نشد؛ روندی بود که از برجام و عقب‌نشینی خسارت‌بار از بخش مهمی از ظرفیت هسته‌ای آغاز شد، با پاسخ‌های ناکافی در مقاطع حساس، از جمله در ماجرای ترور شهید سلیمانی و تصمیمات مورد مناقشه در دولت روحانی، ادامه یافت و با عقب‌نشینی‌های پی‌درپی جریان برجامی و اصلاح‌طلب در دولت روحانی و سپس پزشکیان تشدید شد.

این انگاره زمانی خطرناک‌تر شد که پس از ترور شهید هنیه در تهران، پاسخی متناسب داده نشد و دشمن برای ترور شهید نصرالله جسورتر شد. سپس در حالی که موضع اعلام‌شده کشور، خروج از NPT در صورت اجرای مکانیسم ماشه بود، هم مکانیسم ماشه فعال شد و هم خروجی صورت نگرفت؛ و حتی مذاکره با آمریکا، برخلاف هشدارها و ملاحظات رهبری شهید، ادامه یافت. عراقچی نیز چند روز پیش از حمله، از «رو به پیشرفت» بودن مذاکرات سخن گفت؛ ادراکی که اگر بر محاسبات حافظتی اثر گذاشته باشد، هزینه‌ای تاریخی داشته است. تلخ‌تر آنکه بنا بر اظهاراتی که از عراقچی درباره تهدید ترور رهبری نقل شد، او حدود چند روز پیش از ترور، این مسئله را کم‌اهمیت تلقی کرده بود؛ همان نگاه ساده‌انگارانه‌ای که می‌توانست سطح تهدید را پایین‌تر از واقعیت نشان دهد.

اما شکست انگاره ضعفی که دیپلماسی اشتباه ساخته بود، را نیروهای مسلح رقم زدند. جنگ تحمیلی سوم در شرایطی پیش رفت که نیروهای مسلح با بستن تنگه هرمز و پاسخ‌های کوبنده به پایگاه‌های آمریکا در کشورهای حاشیه خلیج فارس، معادله را تغییر دادند؛ در حالی که به گفته برخی از نمایندگان مجلس، وزارت خارجه در فاصله دو جنگ و حتی در اثنای جنگ با اجرای این تصمیم مخالف بود. عجیب‌تر اینکه این پزشک‌ها در روزهای ابتدایی جنگ، در فقدان رهبری، از کشورهای خائن عذرخواهی کرد و به آتش به‌اختیاری نیروهای مسلح تاخت و بازهم جریان برجامی و اصلاح‌طلب دولت پزشکیان با فریب تفاهم اسلام‌آباد جلوی تثبیت این پیروزی تاریخی را گرفتند. پس تصویر ایران ضعیف برجامیون را نیروهای مسلح و مقاومت ملت شکست و باید مراقب بود دوباره دولتمردان آن را احیا نکنند.

نوبنیاد

■ صاحب امتیاز: محسن منصوری
■ مدیر مسئول: حمیدرضا بیانی
■ تلفن: ۰۲۱-۸۸۴۹۹۳۷۲
■ کدپستی: ۱۵۹۸۹۷۵۷۱۵

■ آدرس: خ سه‌په‌دِ ق‌رنی خ شاداد پلاک ۲۲ واحد پنج
■ چاپخانه: صمیم

nobonyadonline nobonyadonline
nobonyadonline.ir

فرهنگ

C U L T U R A L

■ پنجشنبه ۲۹ مرداد ۱۴۰۵ ■ سال اول ■ شماره ۱۱۴

یادداشت

پلتفرم‌هایی با سودهای هنگفت و مخاطبانی که ریزش می‌کنند

سعید مصباح
روزنامه‌نگار

شبکه نمایش خانگی در سال‌های اخیر به یکی از بازیگران اصلی و شاید بلامنازع عرصه فرهنگ و سرگرمی تبدیل شده و به کسب‌وکاری با گردش مالی نجومی و قابل توجه بدل شده است؛ کسب‌وکاری که حالا اعداد و ارقام منتشرشده درباره آن، پرسش‌های جدی‌تری از همیشۀ درباره نسبت میان درآمد، کیفیت و میزان مخاطب ایجاد می‌کند. علیرضا رئیس‌یان، کارگردان و تهیه‌کننده سینما، با استناد به آمار منتشرشده از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی درباره وضعیت پلتفرم‌های نمایش خانگی، به نکته‌ای قابل تأمل اشاره کرده است. طبق این آمار، اگرچه ۱۵۷ مجوز برای فعالیت پلتفرم‌ها صادر شده، اما در عمل در سال ۱۴۰۳ تنها سه پلتفرم فعال بوده‌اند و اکنون نیز تقریباً همین وضعیت ادامه دارد. یعنی برخلاف تصویری که از یک بازار رقابتی و گسترده ارائه می‌شود، بخش عمده بازار عملاً در اختیار چند بازیگر محدود است. اما مسئله مهم‌تر، گردش مالی این بازار است. درآمد پلتفرم‌ها از محل فروش پهنای باند، تبلیغات و حق اشتراک کاربران در سال ۱۴۰۳ حدود ۱۳.۶ هزار میلیارد تومان اعلام شده و برآورد می‌شود این رقم در پی رونق مصرف محتوای داخلی پس از اختلالات و محدودیت‌های اینترنت بین‌الملل، به حدود ۲۰ هزار میلیارد تومان رسیده باشد. اینجا یک تناقض بزرگ شکل می‌گیرد: بازاری با چنین گردش مالی عظیمی، بنا بر همین آمارها، تنها حدود دو میلیون کاربر دارد. دو میلیون کاربر در برابر جمعیت نزدیک به ۹۰ میلیون نفری ایران، حتی اگر بخش قابل توجهی از جمعیت را مخاطب بالقوه ندانیم، عدد چندان بزرگی نیست.

درواقع موضوع اصلی صرفاً درآمد و سوددهی این پلتفرم‌ها نیست؛ آنچه اهمیت بیشتری دارد این است که در برابر این درآمد هنگفت، چه میزان محصول با کیفیت فرهنگی به مخاطب عرضه شده است؟ اگر هزینه‌های تولید، تبلیغات، زیرساخت و سایر مخارج را از درآمدها کم کنیم، آیا واقعاً نسبت میان هزینه و خروجی با چنین سودهایی تناسب دارد؟ نمایش خانگی قرار بود بخشی از بار سرگرمی و تولید فرهنگی کشور را به دوش بکشد؛ اما امروز باید درباره مدلی پرسید که درآمدهای آن با سرعت رشد می‌کند، در حالی که مخاطب محدود است و کیفیت بسیاری از تولیدات نیز محل انتقاد جدی قرار دارد. اگر قرار است این صنعت به یک امپراتوری اقتصادی تبدیل شود، حداقل انتظار این است که سهم فرهنگ و مخاطب از این امپراتوری نیز به همان اندازه بزرگ باشد.

داستان اسباب‌بازی نشان داد که گفتمان قدرت تا چه حد برای فیلمساز آمریکایی اهمیت دارد

بومی‌انیمیشن بسازیم

سبک زندگی آمریکایی‌اند. وقتی با چنین نمونه‌ای روبه‌رو می‌شویم، ناگزیر باید به آینه سینمای انیمیشن کشور خودمان نگاه کنیم و ببرسیم چرا در بسیاری از تولیدات داخلی‌مان که ظاهری شبیه به آثار دیزنی و پیکسار دارند، این پیوند عمیق با فرهنگ و هویت ایرانی به‌سختی دیده می‌شود و چرا آثاری چون «پهلوانان» با محوریت پوریای ولی توانسته‌اند ساختاری کاملاً ایرانی و در عین حال جذاب خلق کنند.



مسعود حنیفی
روزنامه‌نگار

آنچه در مجموعه داستان اسباب‌بازی از قسمت نخست تا پنجمین فصل آن به چشم می‌خورد، تنها یک روایت سرگرم‌کننده از دنیای اسباب‌بازی‌ها نیست، بازتابی دقیق از جهان بینی آمریکایی است که در آن وودی به عنوان نمادی از سنت، غرب وحشی و ارزش‌های کلاسیک این سرزمین در کنار باز لایت‌یر به عنوان تجسمی از مدرنیته، پیشرفت تکنولوژیک و رویای فضایی آمریکا قرار می‌گیرد و این دو شخصیت در طول سال‌ها، بی‌آنکه مخاطب عام متوجه لایه زیرین آن شود، پیوسته روایتگر وفاداری به سبک زندگی، اسطوره‌ها و گفتمان قدرت کشور متبوع خود بوده‌اند.

همین ظرافت در گنجان‌دن فرهنگ در دل سرگرمی است که باعث می‌شود این آثار در سراسر جهان به عنوان سفیران خاموش فرهنگ آمریکایی عمل کنند و نسل‌های متوالی از کودکان را با این جهان‌بینی آشنا سازند، بی‌آنکه حتی لحظه‌ای احساس کنند در حال دریافتِ پیامی ایدئولوژیک هستند.

وقتی از این منظر به انیمیشن‌های سینمایی ایران در سال‌های اخیر نگاه می‌اندازیم، با پدیده عجیبی روبه‌رو می‌شویم؛ آثاری مانند «بیعی قهرمان»، «ژولیت و شاه» و مجموعه «پسر دلفینی» در بخش یک و دو، اگرچه از نظر کیفیت فنی، جلوه‌های بصری و حتی گاهی فروش گیشه توانسته‌اند از بسیاری از فیلم‌های بلند داستانی سینمای ایران پیشی بگیرند و مخاطب را با خود همراه کنند، در بازتعریف هویت ایرانی چندان موفق ظاهر نشده‌اند و بیشتر شبیه به کپی‌برداری از فرمول‌های رایج در استودیوهای دیزنی و

یادداشت

«پسران فریدون» و آزمون تثاتر ایران

محمد قربانی
روزنامه‌نگار

نمایش «پسران فریدون» طبق اعلام رسمی از تاریخ سوم شهریور ۱۴۰۵ در تالار وحدت پذیرای علاقه‌مندان خواهد بود. پیش‌فروش بلیت‌های این نمایش از روز شنبه ۲۴ مرداد آغاز شده و با توجه به ترکیب بازیگران و موضوع اثر، پیش‌بینی می‌شود با استقبال جامعه هنری و مخاطبان جدی تثاتر روبه‌رو شود.

«پسران فریدون» محک خوبی است برای این که ببینیم تثاتر امروز ما تا چه حد می‌تواند از دل اسطوره‌ها، غیرت ایرانی و هوشیاری سیاسی را استخراج کند. اگر این نمایش بتواند فراتر از فرم نمایشی، به عمق حکمت نهفته در شاهنامه نفوذ کند، می‌تواند به یک رویداد فرهنگی ماندگار و به‌روز تبدیل شود.

«پسران فریدون» به نویسندگی و کارگردانی علیرضا معتمدی، با نگاهی به یکی از پرکنکته‌ترین دوران‌های شاهنامه، فرصتی را فراهم کرده تا تماشاگر ایرانی بار دیگر در آینه تاریخ کهن، مسائل امروز میهن را بازخوانی کند. داستان پسران فریدون در شاهنامه، بیش از آن که روایتی خانوادگی باشد، درسی بزرگ در باب وحدت ملی و خطرات تفرقه‌افکنی است. تقسیم جهان میان سلم، تور و ایرج توسط فریدون، در بستر متن فردوسی، نشان‌دهنده لحظه‌ای است که نخبگان و حکمرانان با تصمیمات خود، سرنوشت یک تمدن را رقم می‌زنند. در فضای فکری امروز، نمایش معتمدی می‌تواند یادآور این حقیقت تاریخی باشد که هرگونه سستی در عدالت و اتحاد، زمینه‌ساز نفوذ بیگانگان و تجزیه خاک وطن است. برای مخاطبی که دغدغه‌ی حفظ اصالت‌های ملی و فرهنگی را دارد، این نمایش فراخوانی برای اندیشیدن به چیرستی هویت ایرانی است.

این پروژه که با تهیه‌کنندگی سید عماد عامری و با حضور بازیگرانی شناخته‌شده همچون امیر آقایی، نازنین بیاتی، پدram شریفی، امیررضا دلآوری، پاشا رستمی، ساغر جیبی و امیرکاوه آه‌نین جان به روی صحنه می‌رود، تلاشی در جهت احیای شکوه هنرهای نمایشی در تراز ملی است. استفاده از بستری به غایت ایرانی برای روایت درام، نشان از بلوغ فکری تیم سازنده دارد که به جای تقلید از متون وارداتی، به سراغ گنجینه حکمت فردوسی رفته‌اند.

نمایش همچنین باید از دو افراط فاصله بگیرد: نه شاهنامه را به متنی موزه‌ای و فاقد نسبت با زندگی امروز تبدیل کند و نه با تحمیل تفسیرهای شتاب‌زده و شعارزده، پیچیدگی اخلاقی و تراژیک آن را از میان ببرد. موفقیت «پسران فریدون» در گرو آن است که اسطوره را بهانه‌ای برای اندیشیدن به بحران قدرت و تفرقه قرار دهد، نه صرفاً پوششی باشکوه برای روایتی آشنا.



اسکورت به کارگردانی یوسف حاتمی‌کیا و تهیه‌کنندگی محمدرضا منصوری، پس از رونمایی در جشنواره فیلم فجر، حالا با انتشار طراحی لوگوی رسمی خود یک گام دیگر به اکران عمومی نزدیک شده است؛ فیلمی که در جشنواره چهل‌وچهارم توانست توجه مخاطبان و هیئت داوران را همزمان به خود جلب کند.

اسکورت در آخرین دوره از جشنواره فیلم فجر موفق به دریافت سه سیمرغ بلورین شد؛ سیمرغ بهترین فیلم از نگاه تماشاگران، بهترین صدا و بهترین تدوین. کسب سیمرغ مردمی در کنار جوایز فنی، نشان می‌دهد فیلم حاتمی‌کیا تنها در سطح اجرا و تکنیک مورد توجه قرار نگرفته و توانسته با مخاطب جشنواره نیز ارتباط برقرار کند.

امیر جدیدی، هدی زین‌العابدین، افشین هاشمی، مهدی زمین‌پرداز و رضا کیانیان ترکیب بازیگران «اسکورت» را شکل می‌دهند؛ ترکیبی که در کنار نام حاتمی‌کیا، کنجکاوی‌ها درباره نخستین اکران عمومی این فیلم را افزایش داده است. حالا با انتشار طراحی لوگوی اسکورت، به نظر می‌رسد فیلم وارد مرحله تازه‌ای از مسیر عرضه عمومی شده است؛ مرحله‌ای که باید دید این اثر در مواجهه با مخاطب گسترده سینما تا چه اندازه می‌تواند موفقیت جشنواره‌ای خود را تکرار کند.